



یک‌شنبه ۲۵ اسفند ۱۳۹۲

## بیکاری در یک کلام مساوی

✓ **دژبیش/ مدیرموسسه مشاوره شغلی وکارپایی هستی----** **قسمت دوم**



گذشته از آن زن و شوهرهایی هم هستند که زندگی خود را آغاز کرده‌اند اما بیکار می شوند و دیگر از پس هزینه‌های زندگی بر نمی آیند. همین امر سبب بروز اختلافات دیگری شده و سرانجام جدا شده‌اند.

در آیات قرآن کریم و احادیث نیز آمده است که:
“اگر شخص اهل علم و تحصیلکرده بتواند اندوخته‌های علمی خود را به کار گیرد، نزد همگان منزلت می یابد اما اگر جامعه برای پیاده کردن اندوخته‌هایش به او میدان ندهد فرد نمی تواند خودش را ابراز کند و در حقیقت اگر علم عامل ننمود مفهوم پیدا نمی کند و جامعه نیز از علم و خلاقیت او محروم می شود.”
گر افراد نتوانند با استعداد فردی و علاقه شخصی به ارائه خدمات در جامعه مشغول شوند، دچار سرخوردگی و افسردگی می شوند. گذشته از آن افرادی که در حال تحصیل در رشته‌های مشابه هستند یا می خواهند در آینده آن رشته را انتخاب کنند نیز انگیزه‌ای برای ادامه تحصیل نخواهند داشت.
هدر رفتن سرمایه و عمر جوان یکی دیگر از معضلات بیکاری است. در چنین جامعه‌ای شایسته سالاری دیگر حاکم نیست. آنهایی که تخصص دارند و باید بر سر کار باشند، نیستند و آنهایی که نباید باشند، مشاغل را اشغال کرده‌اند.”

“در چنین جامعه‌ای فرد احساس سردرگمی می کند و خودش را ارزشمند نمی داند. گسترش مشاغل کاذب هم از آفت های دیگر این جامعه است. افراد بیکار در برنامه زندگی شان تاخیر می افتد آنها نمی توانند از حاصل زحماتشان توشه‌ای بردارند و برای آینده برنامه‌ریزی کنند. یکی از دلایل مهاجرت به خارج از کشور و قبول معضلات فرهنگی و اجتماعی ناشی از آن هم همین موضوع است. سلامت روان یکی از آیمت‌هایی است که در شاخص سلامت در کشورهای توسعه یافته مدنظر قرار می گیرد. از این رو تمهیدات دولتی برای جلوگیری از به خطر افتادن سلامت روان در جامعه مورد انتظار است.
“کار” حق قانونی انسان است چرا که از جمله حقوق شایسته طبیعی است که طی مبارزات کارگران و زحمتکشان سراسر دنیا رسیت یافته و قانونمند شده است و پرداختن به این حق برای دولت ها الزامی است.

فقر هر جا که وجود داشته باشد خطری برای پیشرفت و شکوفایی همه است.



در یک ارزیابی بین المللی توسط بانک جهانی در باره انجام کسب و کار در کشور های مختلف در سال ۲۰۱۱، ایران در بین ۱۸۳ کشور در رتبه ۱۲۹ قرار گرفته است.

**انواع بیکاری:**

بیکاری اصطلاحی: در مدت زمان بین دو اشتغال در هنگام تغییر شغل اتفاق می افتد.

بیکاری فصلی: زمانی که تقاضا برای کاری در فصل مشخصی وجود نداشته باشد. مثلاً برخی آموزگاران که در تابستان نمی توانند تدریس کنند یا کشاورزان و کارگران ساختمانی.

بیکاری پنهان: وقتی است که شخص به کاری مشغول است و منبع درآمدی دارد اما کار او در اقتصاد کشور اثر مثبت ندارد. مانند دستفروشی و کودکان کار. علل بیکاری و راههای مقابله با آن:

افزایش جمعیت و کمبود تقاضای نیروی کار، مهمترین علل بیکاری هستند. یک عامل مهم بیکاری، افزایش رقابت بین المللی در صنایعی است که پیشرفت روز افزون غرب بر پایه آن بنیاد نهاده شده است.

دولت جمهوری اسلامی در ۳۱ اوت ۱۹۹۷ به همراه ۱۳۳ دولت دیگر هر دو پیمان بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و پیمان بین المللی حقوق مدنی و سیاسی را امضا کرده است. اینکه چرا حقوق کار در ایران به حالت تعلیق در آمده است و در نتیجه ما در حال حاضر شاهد رشد بیکاری هستیم دلایلی دارد که در زیر به آنها میبرداریم.

۱- حقوق کار در ایران اجرا نمی شود

۲-اقتصاد ایران تولید محور نیست و حتی گرایش ضد تولید دارد. و بجای روی آوردن به بخش صنعت و معدن و کشاورزی و تمایل به بخش خدمات داشته است.

۳- اقتصاد ایران دچار بی ثباتی است .

اول اینکه: ساختار اقتصادی کنونی ایران به این حقوق رسمیت یافته در قوانین کشور اعتنایی ندارد و روشنفکران و اقتصاد دانان در خدمت این ساختار با این استدلال که: “قانون کار حمایتی اصل آزادی اراده طرفین را نقض می کند” و “قانون کار قانون اساسی اقتصاد است و بعد از رسمیت مالکیت خصوصی، قانون کار است که تکلیف مناسبات اقتصادی را مشخص میکند”

دوم اینکه: اقتصاد ایران تولید محور نسبت و حتی گرایش ضد تولید دارد. اقتصاد ایران پس از انقلاب بر پایه منافع سرمایه داری تجاری و واسطه ای با تکیه بر بهره برداری از منابع نفت، گاز و معادن به سود این گرایش بنا شده است و نوکیسه های تازه وارد در کارزار اقتصاد ایران هم در عرصه کسب و کار و تمایل به بخش خدمات داشته و دارند و بهمین دلیل جایگاه بخش خدمات در اقتصاد کشور به روایت آمار بیش از دو برابر بخش صنعت و معدن و بیش از پنج برابر بخش کشاورزی است.

سوم اینکه: اقتصاد ایران دچار بی ثباتی است. ساختار اقتصادی به دلیل بی ثباتی مزمن و مدیریت ناپایدار که به دنبال تغییرات سیاسی ناشی از کسب قدرت سیاسی در ارکان نظام رخ می دهد و همچنین به دلیل برنامه ناپذیری و اختلافات ناشی از آن علافا قاعد آمده و تصمیمی برای پیشبرد روند پایدار است که به هدف های معینی دست یابد.

در اصل ۴۴ قانون اساسی آمده است: “نظام اقتصادی کشور بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است”. این

### اندیشه

## ترک سیگار با نیروی ذهن

قسمت آخر

◀ **به قلم: عباس خادم الحسینی**



جسمی و نیز از نظر سبک و روش زندگی کردن ( نوع تغذیه، خواب، ورزش، تحرک، وضعیت روانی و .. ) می زند، گناه بزرگی را نیز به عنوان حق الناس در پرونده ای اعمال خود ثبت می کند که مسلماً فردای قیامت جواب بابت آن ندارد.

۳- کسانی که با سیگار کشیدن خود، دود دست دوم و یا دست سوم سیگار را به خورد خانواده یا اطرافیان خود می دهند به نوعی دارند به آن ها خیانت می کنند چرا که دارند با این کارشان سلامتی خانواده یا اطرافیان شان را نیز شدیداً در معرض خطر قرار می دهند.

البته شخصاً عقیده دارم وقتی که خانواده یا اطرافیان هم در برابر سیگار کشیدن فرد اعتراضی نمی کنند دارند با این سکوت غیر منطقی، هم به خود و هم به فرد سیگاری خیانت می کنند. بنابراین اگر یکی از افراد خانواده ی شما سیگاری است حتماً از او بخواهید که سیگارش را در خارج از خانه بکشد. حتی اگر این فرد برای شما بسیار عزیز و قابل احترام هم باشد، در نظر داشته باشید که سلامتی شما از او، هم عزیز تر و قابل احترام تر است . البته این درخواست می تواند خیلی محترمانه، مودبانه و دوستانه انجام شود . به خاطر داشته باشید که یک مذاکره ی دوستانه که در آن از کلماتی مناسب و زیبا و لحن بیانی نرم و محبت آمیز استفاده شود خیلی بهتر از یک جلد بی ادبانه و توهین آمیز جواب می دهد.

**دلایل سیگاری شدن**

وقتی با افراد سیگاری درباره ی اولین دفعاتی که لب به سیگار زدند صحبت می کنم و دلایل سیگاری شدن آنها را جویا می شوم، معمولاً جواب هایی از این دست می شنوم:

تأثیر دوست ناباب، تأثیر محیط، کنجکاو ی، هوس، میل، وسوسه، احساس بزرگی کردن، لذت بردن، بیکاری، فقر، شکست های عاطفی، مشکلات زندگی، فشارهای اجتماعی، تنش های خانوادگی، استرس های تحصیلی، مالی، شغلی و . . . راستش را بخواهید من هیچ کدام از این موارد را دلایل اصلی سیگاری شدن نمی دانم.

به نظر من همه ی این موارد قبل از این که دلیل باشند بهانه اند. بهانه‌هایی که افراد با توسل به آنها، خود را در دام موجودی کوچک اما بسیار خطرناک و مضر می اندازند. ممکن است برخی انسان های نا آگاه، فقر، شکست‌های عاطفی، مشکلات زندگی، رفیق ناباب و یا هر عامل دیگری را علت سیگاری شدن خود

بدانند اما در نظر داشته باشید که این ها فقط بهانه‌هایی هستند که با توسل به آنها می خواهید مسئولیت را از دوش خود بردارید و عمل نادرست خود را توجیه کنید. گمان می کنم اصلی ترین دلایل سیگاری شدن، نا آگاهی، ضعف اراده، غفلت، ارزش قابل نبودن برای خود و وجود باورهای غلط در مورد سیگار است که از بین این عوامل، نا آگاهی و ضعف اراده، بیشترین نقش را در این میان دارند.

نکته ی قابل توجه این است که نا آگاهی و ضعف اراده چیزی نیست که ذاتی باشد یعنی این طور نیست که یک نفر به صورت خدادادی دارای اراده ای قوی و محکم باشد و فرد دیگر با اراده ای ضعیف و سست به دنیا آمده باشد بلکه هر کسی



می تواند با تمرین و غلبه بر احساسات و امیال ناپجا، اراده ی خود را تقویت کرده و از آن در راستای برخورداری از زندگی بهتر و شایسته تر بهره‌مند گردد. بوعلی سینا در یک جمله ی زیبا و نامل بر انگیز می گوید: “اگر برای یک اشتباه هزار دلیل بیابورید هزار و یک اشتباه انجام داده اید”. بنابراین از شما خواهش می کنم برای سیگار کشیدن به هیچ دلیل و بهانه‌ای متوسل نشوید. به خاطر داشته باشید که در هر حال سیگار کشیدن تحت تأثیر هر دلیل و بهانه‌ای که باشد اشتباه بزرگی است که یک عمر خسارت به دنبال دارد.

**ترك سيگار و خودپنداره**

این که در مورد خوردن چه نظری داشته باشید، چطور خوردن را ارزیابی کنید و خود را در چه سطحی از توانایی یا ناتوانی ببینید از جمله مواردی است که بر روند ترک شما بسیار موثر است.

به طور کلی “خود پنداره ی” شما می تواند یکی از عوامل موثر تر ترک باشد. خودپنداره همان طور که از اسمش هم پیداست یعنی پنداری که هر کس نسبت به خودش داراست. \* (تصور) نظر و برداشتی که هر کس از خودش دارد را خود پنداره ی آن فرد گویند. به عنوان مثال آا شما خود را فردی ضعیف

و بی اراده می پندارید یا برعکس؟

در نظر داشته باشید که اگر شما به صورت ذهنی خود را فردی ضعیف النفس و بی اراده بیندارید مسلماً رفتارهای تان در راستای تحقق این پندار شکل می گیرند و این مساله ای است که می تواند تمام زندگی شما را تحت تأثیر منفی خود قرار دهد.

یکی از دلایلی که برخی افراد نمی توانند راحت سیگار را کنار بگذارند، نوع برجسب هایی است که آنها به خودشان می زند. این برجسب ها در واقع همان خود پنداره های آنها هستند، چندی پیش یکی از مراجعان در اولین جلسه مشاوره ترک سیگار، ادعا کرد که شدیداً دوست دارد از شر سیگار خلاص شود اما متأسفانه اراده ی این کار را ندارد. جالب این جاست که این مشاوره در ماه مبارک رمضان صورت می گرفت و من می دانستم که او روزه است . از او خواستم تا برایم حساب کند از اذان صبح تا اذان مغرب جمعاً چند ساعت می شود؟ کمی فکر کردو از آنجایی که رمضان آن سال در مرداد ماه بود گفت: ۱۵ ساعت. با تعجب نگاهش کردم و گفتم: عجیب است ! یعنی شما در هر شبانه روز ۱۵ ساعت سیگار نمی کشید؟ گفت : بله، کجای این کار عجیب است ؟ گفتم: اینجایش که شما ادعا می کنید نمی توانید سیگار را ترک کنید یعنی در واقع گمان می کنید اراده ی این کار را ندارید، این در حالی است که شما در هر شبانه روز ۱۵ ساعت دارید این کار را می کنید.

مسلماً کسی که می تواند ۱۵ ساعت سیگار نکشد توانایی ۱۶ ساعت نکشدن را هم دارد، کسی که می تواند ۱۶ ساعت سیگار نکشد ۱۷ ساعت را هم می تواند و همین طور بروید بالا. کسی که می تواند یک روز سیگار نکشد دو روز را هم می تواند و . . .

حال سوال این جاست که چرا در عمل این گونه نیست؟ زیرا ما به خودمان بر حسب ناتوانی و بی ارادگی می زنیم و این برجسب، احساسات و رفتارهای ما را در راستای ناتوانی و ضعف به پیش می برد

۱ - متأسفانه سیگاری ها فقط افرادی که سیگار می کشند نیستند بلکه اطرافیان آنها نیز که این دود سمی و مضر را تنفس می کنند به نوعی سیگاری محسوب می شوند ( سیگاری تحمیلی ) و تمام خطرات و آسیب های جسمی سیگار شامل حال آن ها هم می شود.

اگر شما هم جزو این دسته هستید خواهش می کنم از همین لحظه تصمیم بگیرید از سیگار کشیدن ناخواسته پرهیز کنید. احتمالاً تعجب کرده اید که سیگار کشیدن ناخواسته دیگر چیست؟

برای پاسخ به این سوال نیاز است که ابتدا انواع دود سیگار را مورد بررسی قرار

دهیم.
**انواع دود سیگار**
وقتی سخن از دود سیگار و آسیب های آن به میان می آید، باید در نظر داشته باشیم که در این زمینه سه نوع دود وجود دارند که عبارتند از:

دود دست اول، دست دوم و دست سوم
دود دست اول: وقتی که سیگاری روشن را روی لب تان می گذارید و یک می‌زند، آن دودی که مستقیماً از این طریق وارد بدن خود می کنید دود دست اول سیگار نام دارد. در میان انواع دودهای سیگار، این دود بیشترین آسیب را دارد. دود دست دوم: وقتی کسی سیگار می کشد خوشبختانه یا متأسفانه، همه ی دود و موادمسی آن را مصرف نمی کند بلکه بخشی از آن با سوختن سیگار و بخش دیگر همراه با بازدم فرد سیگاری در فضای اطراف او پخش می شود.

پس دود پخش شده در فضا که دود دست دوم سیگار نام دارد شامل دو قسمت است:

الف ) دود جانبی یا همان دودی که از قسمت روشن سیگار خارج می شود. دودبازدمی یا همان دودی که در بازدم فرد سیگاری وجود دارد و به بیرون از بدن فرستاده می شود.
این موادمسی و آلوده ( که در دود دست دوم سیگار وجود دارد) ممکن است توسط فرد یا افراد بدشانسی که در آن محیط حضور دارند استشناش شود که در آن صورت باید گفت که آنها نیز از مضرات جسمی سیگار بهره مند شده‌اند هر چند خودشان مستقیماً سیگار نکشیده‌اند. این بدان معناست که فرد یا افراد سیگاری، شما را ناخواسته به کشیدن سیگار وادار کرده‌اند و اصطلاحاً شما سیگاری تحمیلی محسوب می شوید.

خطر استشناش دود دست دوم سیگار را نباید بی اهمیت تصور کرد. به طور کلی اگر کسی در اتاق در بسته‌ای که در آن چهار نخ سیگار کشیده شده حضور یابد و همزمان با کشیدن سیگار توسط افراد سیگاری، هوای آنجا را تنفس کند از نظر میزان آسیب های جسمی، تقریباً مثل این است که خودش یک نخ سیگار بکشد. دود دست سوم: سموم ناشی از مصرف سیگار می توانند به صورت ذراتی بسیار ریز و غیر قابل مشاهده (دود دست سوم سیگار) روی لباس، پوست، مو، وسایل و محیط اطراف فرد سیگاری بنشینند و تا مدت ها (حتی تا چند روز) افراد غیر سیگاری خصوصاً کودکان ( که در این زمینه آسیب پذیری بیشتری دارند ) را تحت تأثیر منفی خود قرار دهند. در برخی موارد اگر در یک مکان سر پوشیده ( مثل خانه یا اتاق در بسته ) بارها و بارها سیگار کشیده شود آسیب‌های دود دست سوم سیگار تا چندین هفته قابل تأثیر گذاری است. در نظر بگیرید پدر یا مادری که یک ساعت پیش سیگار کشیده، فرزند خود را در آغوش بگیرد و بوسه‌د، در این صورت به راحتی همه ی عوارض و سموم دود سیگار را می تواند از طریق پوست یا لباس های خود به فرزندش منتقل کند. این بدان معناست که کنار فردی که ساعت ها پیش سیگاری را دود کرده نیز عوارض منفی و زیان‌باری را به دنبال دارد.

۱ - متأسفانه سیگاری ها فقط افرادی که سیگار می کشند نیستند بلکه اطرافیان آنها نیز که این دود سمی و مضر را تنفس می کنند به نوعی سیگاری محسوب می شوند ( سیگاری تحمیلی ) و تمام خطرات و آسیب های جسمی سیگار شامل حال آن ها هم می شود.

اصل به ویژه آنجا که به برنامه ریزی منظم و صحیح نیاز مند است همواره در حالت تعلیق و اجرا نشدنی است. وقتی راهکار های معین و هدفمندی در راستای تحقق این اصل، مدون و مصوب نمی شود و سال های درازی در راه تعریف چگونگی اجرایی شدن یک اصل قانونی که بنا دارد تکلیف ساختار اقتصادی را روشن کند، تلف می شود، روشن است که همه توان و نیروهایی که باید متأثر از این ساختار در زیر بخش های تعریف شده جهت اشتغال سازمان یابند، عملاً هرز می روند و کسب و کار در کشور مفلوج باقی می ماند.

هیچ گاه سازمان های صنعتی کار آمدی که بخواهند و قادر باشند در مورد حقوق کار و از جمله موضوع بیکاری، دولت ها را موظف به ارائه برنامه کنند وجود نداشته و طبیعی است که در کارکرد دولت و نمایندگانی با این درک از اقتصاد و نیروی کار هیچ گاه برنامه های اصولی برای کاهش و برطرف کردن معضل بیکاری نداشته باشد.

بررسی های کشوری هم بیانگر این واقعیت است که توسعه نیافتگی در موضوع کسب و کار به ویژه در عرصه تولید به بالا رفتن نرخ بیکاری منجر خواهد شد

و در عین حال موانع تازه ای را هم تولید میکند که بر طرف کردن آنها خود هزینه های بسیاری را طلب میکند.

نتایج این ارزیابی نشان می دهد که عوامل دخیل در کسب و کار از ضعف توزیع تسهیلات تا بی ثباتی قوانین و مقررات، از عرضه کالاهای خارجی و ورود کالاهای تقلبی به بازار تا بی ثباتی در قیمت مواد اولیه، از تعرفه پایین کالاهای وارداتی تا موانع تعرفه ای صادرات محصولات همه و همه زنجیره ای از بی توجهی به تولیدات داخلی، ندیدن نیروی کار بالقوه و بالفعل در رویکردی اقتصادی و بی توجه به حقوق مردم است که نتیجه ای جز شد فزاینده بیکاری بیار نخواهد آورد.

در یک اقتصاد روبگردان از تولید و مبتنی بر تجارت و واسطه گری آنها ب تکیه بر فروش صدور نفت و واردات بی رویه کالا و بی توجه به نقش و سهم نیروی کار تنها در فرایند توزیع معنی دار میشود و برعکس کارگران و متخصصان مرتبط با تولید بیکار و از چرخه اقتصاد خارج می شوند. در زمانه ای که تولیدات داخلی به خاطر کالاهای وارداتی انبار می شوند و کارگران در معرض بیکاری اعصاب می کنند و سر کوب و از کار بیکار می شوند، به قانون پناه می برند و در می یابند قانون هم برای کارگران بی سازمان و بی دفاع کار آیی ندارد و باید تشکیلی داشته باشی تا از اخراجت جلوگیری کند. در نتیجه به فکر تشکیل نهاد صنعتی خود می افتند.

طبیعی است که در صورت نبود نظارت و کنترل دولت بر بازار سرمایه کار اجتماعاً مفید” صورت نگیرد و به دلیل افزایش جمعیت، وارد شدن نیروی آماده

دولت ها هم همواره تلاش کرده اند تا بیکاری را پنهان کنند. ارایه آمار بر پایه تعریف های نامعمول از اشتغال مانند شاغل دانستن کسانی که چند ساعت در هفته کار می کنند، تغییر شرایط به کارگیری زنان کارگر و کارمند با فرمول

کارنیمه وقت، از دیداد مدت سربازی به ۲۱ ماه و بالا بردن زمان انتظار آماده به خدمتی ها برای تحصیل کرده های بالا تر از دیپلم به یکسال همه و همه در خدمت آمار سازی هایی است تا نرخ بیکاری را در روی کاغذ کاهش دهند. فارغ از اینکه بیکاری پدیده صرف آماری نیست بیکاری از نوع مطلق گرفته تا انواع ناقص آن مادر همه بدبختی هاست و نرخ آن با در نظر داشتن ضربت تبعات و بی آمد های زیان بارش حتی فراتر از اعداد و ارقام واقعیش در زندگی مردم اثر گذار خواهد بود.

جعل آمار و ممانعت از ارایه آمار توسط سازمان های ذریبط به قصد فرار از پاسخگویی به معترضان احتمالی مانع از آن نخواهد شد تا بیکاری به معضل درمان ناپذیر بدل شود.

یک بیکار می تواند هویت های متعددی داشته باشد که هر یک به نوبه خود کار کدهای منفی در اجتماع دارد و تجمیم این هویت ها با بیکاری در واقع ضرب و واقعی بیکاری را ضریبی غیر قابل اندازه گیری خواهد کرد و در عوض اثر گذاری بیکاری در زندگی فردی و اجتماعی به سود تنهایی جامعه را سرعت خواهد داد.

برای مقابله با این وضعیت اسفبار چه باید کرد؟ راه های کوتاه مدت و بلند مدت برای برون رفت از بحران بیکاری فزاینده کدامند؟

اگر رویکردی توسعه گرایانه و برایی طلبانه به موضوع اقتصاد داشته باشیم باید بپذیریم که سوگیری در راه توسعه نیروی انسانی اولین و ضروری ترین گامی است که باید در این راه گذارد و پیش از آن باید بپذیرفت که “کار کالا نیست” و به تبع آن کارگران و زحمتکشان یعنی حقوق بگیرانی که قرار است مغز و موتور توسعه باشند نیز کالا نیستند و با حضور و مشارکت آگاهانه این نیروی بزرگ اجتماعی است که فرآیند های تولیدی یک اقتصاد پویا به فرجام درستی خواهد رسید.



عدمش از وجودش بهتر است. در داخل هر کشور مبارزه علیه نیازمندی باید با نیروی خستگی ناپذیری انجام گیرد و در سطح بین المللی با تلاش مداوم و هماهنگ پیگیری شودو در این مبارزه نمایندگان کارگران و کارفرمایان بر پایه برابری با نمایندگان دولت ها همکاری کنند و آزادانه در گفتگوها شرکت کرده و در تصمیمات دمو کراتیک در زمینه گسترش رفاه عمومی مشارکت کنند. اعلامیه جهانی حقوق بشر به همراه سایر موادی که حق کار را ضمانت میکند و با رعایت آنها امکان کار برای هر کس فراهم می شود در پیمان نامه بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سازمان ملل متحد تصویب شده است. این پیمان نامه به ویژه این حقوق را به رسمیت می شناسد:

۱ حق کار

۲ حق بهره مندی از اوضاع عادلانه و مناسب کار (مزدمنصفانه و برابر بدون هیچ تبعیض)

۳ حق تشکیل اتحادیه و پیوستن به اتحادیه های برگزیده

۴ حق تعیین اجتماعی

۵ حق سامان زندگی مناسب شامل خوراک ،پوشاک و مسکن مناسب

۶ حق حمایت از خانواده

۷ حق مشارکت در زندگی فرهنگی

۸ حق بهره مندی از پیشرفت علمی و ...